



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: امارات و ظنون
 موضوع جزئی: ۵. حجیت خبر واحد - ادله حجیت خبر واحد - دلیل دوم: اخبار و روایات -
 بررسی اشکالات سه گانه امام خمینی به محقق خراسانی
 تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۴۰۳
 مصادف با: ۱۶ شعبان ۱۴۴۶
 سال شانزدهم
 جلسه: ۸۰

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم کلام محقق خراسانی مبنی بر اینکه از راه تواتر اجمالی می توان به اشکال دور پاسخ داد، مورد اشکال بعضی از بزرگان قرار گرفته است. محقق نایینی به گونه ای به کلام محقق خراسانی اشکال کرد. ما سخن ایشان را مورد بررسی قرار دادیم. امام خمینی نیز از منظر دیگری به کلام محقق خراسانی ایراد گرفتند. حال ما باید ببینیم آنچه امام خمینی در اشکال به محقق خراسانی گفته اند قابل قبول است یا خیر؟

بررسی اشکالات امام خمینی

عرض کردیم امام خمینی مجموعاً سه اشکال به محقق خراسانی وارد کردند، سپس فرمودند که «یمكن تقریب الاستدلال بالاخبار لحجیة خبر الواحد بوجه آخر» از یک راه و طریق دیگری می توانیم به اخبار استناد کنیم برای اثبات حجیت خبر واحد. لذا راهی پیشنهاد دادند که اشکال دور برطرف شود. حال ما این چهار مطلبی که امام خمینی فرموده را می خواهیم بررسی کنیم.

بررسی اشکال اول

اشکال اول ایشان به محقق خراسانی این بود که آنچه محقق خراسانی فرموده مجرد فرض است. اینکه محقق خراسانی می گوید ما یقین به صدور یک روایت از میان روایات داریم و آن هم روایتی است که از نظر سندی جامع شرائط حجیت باشد و مضمونش هم اخص باشد، یعنی یک روایت صحیح اعلائی که دلالت کند بر حجیت خبر واحد عادل ثقه. وقتی ما یقین به صدور چنین روایتی پیدا کنیم، مفادش که حجیت خبر واحد فی الجمله است ثابت می شود. امام خمینی می فرماید این مجرد فرض است. چون ما در بین روایات چنین روایتی نداریم تا بخواهیم یقین به صدور آن پیدا کنیم.

پاسخ و اشکال ما به امام خمینی این است که این مجرد فرض نیست. چون در بین روایاتی که در ابواب مربوطه که مهمترین آنها در ابواب صفات قاضی ذکر شده. یقیناً یک روایتی که صحیح اعلائی باشد وجود دارد و صرف فرض نیست بلکه وجود دارد مثل «و بِالْإِسْنَادِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ، أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مِثْلِ ذَلِكَ، فَقَالَ: الْعَمْرِيُّ وَ ابْنُهُ ثِقَتَانِ فَمَا أَدْيَا إِلَيْكَ عَنِّي فَعَنِّي يُؤَدِّيَانِ وَ مَا قَالَا لَكَ فَعَنِّي يَقُولَانِ فَاسْمَعْ لَهُمَا وَ أَطْعِمَهُمَا فَإِنَّهُمَا الثَّقَتَانِ الْمَأْمُونَانِ، الْحَدِيثُ» این روایت از نظر سندی روایتی است که قابل قبول و جامع شرائط حجت است. اما از نظر دلالتی؛ هر چند ما در بین روایات یاد شده روایتی که مفادش حجیت خبر واحد به نحو مطلق باشد نداریم، ولی فی الجمله حجیت آن ثابت می شود. همین روایتی که نقل شد از آن حجیت خبر واحد مطلقاً به دست

کافی جلد ۱، ۳۲۹، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه، جلد ۲۷، صفحه ۱۳۸، باب ۱۱ از ابواب صفات القاضی، حدیث ۱۲.

نمی‌آید، اما فی الجمله و به نحو موجب جزئیة دلالت بر حجیت می‌کند. یعنی بالاخره خبر واحد ثقة عادل حجت است، درست است ضیق کرده شرائط حجیت را، اما به هر حال به نحو موجب جزئیة بر حجیت خبر واحد دلالت می‌کند. پس این مجرد فرض و تصور نیست. ما در بین این روایات نیز روایاتی داریم که از نظر سند عالی است و هم از نظر مضمون برای اثبات حجیت خبر واحد فی الجمله کفایت می‌کند.

بررسی اشکال دوم

اشکال دوم امام خمینی این بود که بر فرض بپذیریم در بین روایات یک روایتی که سنداً و مضموناً مورد قبول باشد وجود دارد. اما اثبات تواتر مشکل است، چون مهمترین شرط تواتر این است که در جمیع طبقات عدد تواتر حفظ شود. تواتر چه معنوی، چه لفظی، چه اجمالی. بدون این شرط تحقق پیدا نمی‌کند. در روایاتی هم که محل بحث است، چنین شرطی تحقق ندارد. چون همه این روایات در کتب اربعه ذکر شده که مربوط به سه نفر است، مرحوم کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی؛ پس ناقلین این روایات سه نفرند و معلوم است که با قول این سه نفر تواتر تحقق پیدا نمی‌کند. با آنکه مؤلفین کتب اربعه قابل قبول هستند. غیر اینها از جوامع روایی که اصل اسناد آن جوامع روایی به مولفینشان ثابت نشده. بنابراین اصل تواتر اجمالی تحقق ندارد.

این اشکال نیز قابل پاسخ است چون درست است که شرط تواتر این است که در تمام طبقات عدد تواتر محفوظ بماند، یعنی از طبقه اول تا آن طبقه‌ای که روایات را برای ما نقل می‌کنند، تعداد ناقلین خبر به اندازه‌ای باشد که تبانی آنها بر کذب عادتاً محال باشد. لکن این شرط در تواتر لفظی لازم است، در تواتر معنوی هم کذلک، یعنی آن مواردی که مضمون روایات نقل می‌شود متواتراً، در هر طبقه‌ای باید عدد تواتر محفوظ بماند. حالا ممکن است یک روایتی را با الفاظ و تعبیرات مختلف بیان کنند، اما این مضمون باید در هر طبقه‌ای متواتراً نقل شود. اما در تواتر اجمالی اصلاً چنین شرطی معتبر نیست.

تواتر اجمالی این است که ما از مجموعه روایات، علم به صدور بعضی از آنها از معصومین پیدا می‌کنیم. اصلاً شاید اطلاق تواتر در این فرض مسامحه باشد، به همین جهت به آن تواتر اجمالی گفته‌اند. معنای تواتر اجمالی این است که روایاتی نقل شده ولی ما علم اجمالی داریم به اینکه یکی از اینها حداقل از امام معصوم صادر شده است. این دیگر در هر طبقه‌ای لازم نیست عدد ناقلین آن متواتر باشد. در تواتر معنوی و لفظی این شرط معتبر است، اما در تواتر اجمالی اگر یک نفر، دو نفر یا سه نفر بیابند یک تعداد زیادی روایت را برای ما نقل کنند که ما یقین پیدا کنیم به اینکه یکی از اینها حداقل از امام معصوم صادر شده، این کافی است. حتی یک نفر که البته ثقة است، اگر یک تعداد زیادی روایات نقل کند که موجب علم به صدور یکی از اینها از امام معصوم شود، اینجا تواتر اجمالی محقق شده است. بنابراین در تواتر اجمالی اصلاً چنین شرطی وجود ندارد. استعمال کلمه تواتر هم عرض کردم به یک معنا مسامحه است. لذا اینکه امام خمینی فرموده «مضافاً الی أن اثبات تواتر ولو اجمالاً مشکل لان من شرط التواتر ان یکون متواتراً فی جمیع الطبقات مع انه لیس الأمر فی المقام کذلک»

پاسخ ما این شد که اثبات تواتر ولو اجمالاً در ما نحن فیه لازم نیست. اشکال در این است که ایشان می‌گویند «من شرط التواتر ان یکون متواتراً فی جمیع الطبقات» می‌گوییم این شرط در تواتر لفظی و معنوی لازم است اما در مورد تواتر اجمالی چنین شرطی نیست.

سوال:

استاد: چرا ارجاع به تواتر دادند؟ برای این بود که خبر واحد ظنی است. شما می‌خواهید برای حجیت یک خبر ظنی استناد کنید به یک امر ظنی، به خود خبر. گفتند دور پیش می‌آید. تواتر اجمالی برای این است که روایاتی که پشتوانه حجیت خبر واحد واقع می‌شوند را یقینی کند. یعنی می‌گوید ما یقین داریم یکی از این روایات از معصوم صادر شده است؛ لذا از مرحله ظن می‌گذرد و تبدیل به یقین می‌شود. به این صورت ایشان می‌خواهند اشکال دور را برطرف کنند.

سوال:

استاد: ما این را توضیح دادیم گفتیم نمی‌دانیم کدام است ولی اخذ به قدر جامع می‌کنیم، قدر متیقن. ممکن است شما سوال کنید این در صورتی است که قدر متیقن باشد. اینجا مرحوم نائینی فرمودند. اگر قدر متیقن باشد، يرجع الی التواتر معنوی، این دیگر تواتر اجمالی نیست، اگر قدر جامع نداشته باشد در مورد همه آنها احتمال کذب وجود دارد. این اشکال محقق نائینی به محقق خراسانی بود که ما آن را بررسی کردیم. حرف محقق خراسانی این است که در بین این روایات ما یک روایتی داریم که از نظر سندی قابل قبول است، سند عالی دارد، از نظر مفاد و مدلول هم اخص مضمون از بقیه است. بالاخره در اینکه کدام یک از این صدتا روایت سندش عالی است یا اخص مضمون است، اختلاف است. البته خود محقق خراسانی اشاره‌ای نکرده به این روایت، اما شارحین کفایه هر یک، روایتی را نقل کردند یکی گفته منظور این روایت است، دیگری گفته منظور آن روایت است، همه به دنبال این هستند یک مصداقی برای آن روایتی که سندش عالی و مضمونش اخص باشد پیدا کنند. حال ممکن است در آن اختلاف باشد، ولی بالاخره یک روایتی اینجا وجود دارد که اخص مضمون و یکنون جامعاً لشرایط الحجیه ولی آن مفادش چیست؟ بالاخره حداقل‌هایی را برای حجیت خبر واحد بیان کرده است. همین که به نحو موجه جزئی این را ثابت کند برای ما کافی است.

سوال:

استاد: دوتا بحث است. بحث ما این است که می‌خواهیم به آیه استناد کنیم برای حجیت خبر واحد یا به روایات و خبر واحد؟ اگر بخواهیم برویم سراغ آیه می‌شود همان دلیل اول. الآن بحث این است که ما به اخبار می‌توانیم تمسک کنیم بر حجیت خبر واحد یا نه؟

بررسی اشکال سوم

اشکال سوم این بود که سلمنا که، این مجرد فرض نباشد و ما بتوانیم روایتی پیدا کنیم که جامع شرائط حجیت باشد و مدلول آن هم حجیت خبر واحد مطلقاً باشد و نیز سلمنا که اثبات تواتر اجمالی مشکل نباشد و ما از جهت تحقق تواتر اجمالی هیچ مسئله‌ای نداشته باشیم، لکن وقتی می‌آییم سراغ آن روایتی که مضمونش اخص از سایر روایات است و سندش مورد قبول است، آن روایت همان روایتی است که سائل را به زراره ارجاع داده، روایتش را قبلاً خواندیم که راوی می‌گوید من از چه کسی سوال کنم؟ راوی سوال می‌کند، برای ما گاهی مسائلی پیش می‌آید که به شما دسترسی نداریم، امام فرمود «علیک بهذا الجالس» اشاره به زراره کردند، گفتند احکام را از این یاد بگیرید، معالم دین را از این اخذ کنید، زراره، چه خصوصیتی داشته که امام ارجاع به او دادند؟ دو خصوصیت حداقل در زراره وجود دارد یکی اینکه او بدون واسطه از امام اخذ کرده، دوم اینکه فقیه بوده. معنای این سخن این است که این روایات فقط می‌تواند اثبات کند حجیت خبر کسی را که فقیه باشد و بدون واسطه از امام نقل کند. پس کسی که با واسطه از امام نقل قول کند قول او اعتباری ندارد. اصلاً همه نزاع ما در مورد خبر واحد مربوط به این اخباری است که با واسطه از امام به ما

رسیده و الا ما هیچ کدام که راویان اخبار را بی واسطه درک نکردیم تا مثلا بخواهیم بگوییم خبر آنها معتبر هست یا نیست. پس دو خصوصیت از این روایت استفاده می‌شود، یعنی خبر کسی حجت است که اولاً فقیه باشد و ثانیاً بدون واسطه از امام نقل خبر کرده باشد. بنابراین این اخبار برای استدلال مناسب نیست.

اینجا ممکن است کسی بگوید: ما الغاء خصوصیت می‌کنیم. ایشان می‌فرماید مسئله الغاء خصوصیت اینجا ممکن نیست، برای اینکه امام به شخصی که ارجاع داده، حالا خود اسم زراره که معلوم است موضوعیت ندارد اما ویژگی‌های او که باید مد نظر باشد. لذا خصوصیت اخذ بدون واسطه و خصوصیت فقاہت باید باشد. لذا این روایات قابل استدلال نیستند.

پاسخ این اشکال هم این است که مساله فقاہت تأثیری در نقل ندارد، ما قبلاً هم به مناسبت برخی روایات را ذکر کردیم. زراره درست است که یک شأن فقاہت دارد، یک شأن ناقل بودن. ما اینجا به چه دلیل روی دو خصوصیت فقاہت زراره تأکید کنیم؟ یک وقت می‌خواهد از آیات قرآن یا مثلاً برخی کلمات معصومین حکم مسائل جدید را کشف کند، آنجا نیاز به این خصوصیت می‌باشد؛ اما وقتی می‌خواهد فقط عین سخن امام را بگوید این خصوصیت دخالت ندارد.

اخذ بدون واسطه هم هیچ خصوصیتی ندارد. یعنی ما می‌توانیم الغاء خصوصیت کنیم. آنچه مهم است به استناد برخی روایات دیگر که آنها هم به یک معنا اخص مضمونا است، مثل روایت العمری و ابنه ثقتان، ذیلش معلل کرده شنیدن و اطاعت از آنها را و اینکه هر چه آنها برای شما از ما نقل می‌کنند بپذیرید، به ثقہ بودن و مأمون بودن، که مأمون بودن را به معنای همان عدالت دانستند، ثقہ و عادل، اخص مضمونا این است. این تعلیل نشان می‌دهد قول ثقہ و عادل چه باواسطه چه بی‌واسطه معتبر است، اگر کسی ثقہ باشد، عادل باشد، ولو باواسطه از یک ثقہ و عادل دیگر قول امام را نقل کرده باشد، این برای ما معتبر است و فقاہت هم که عرض کردیم اساساً اعتبار ندارد. لذا مجموعاً به نظر می‌رسد اشکال سوم هم قابل قبول نیست.

سوال:

استاد: ببینید دو تا بحث است؛ آن یک مساله دیگر است. بحث در این بود که ما به اخبار می‌توانیم بر حجیت خبر واحد استناد کنیم یا خیر؟ امام خمینی سه اشکال کردند به پاسخ محقق خراسانی، محقق خراسانی فرمودند ما اشکال دور را از راه تواتر اجمالی حل می‌کنیم. راه حل محقق خراسانی مورد اعتراض واقع شده است، محقق نائینی، امام خمینی اشکال کردند. الان بحث ما در این سه اشکالی بود که امام خمینی به کلام محقق خراسانی داشتند. محقق خراسانی می‌گفت ما با تواتر اجمالی حل می‌کنیم مشکل دور را ولی امام خمینی سه اشکال به ایشان کردند، بعد یک راه حلی برای حل مشکل دور دادند. الان بحث ما در مورد آن است. آن یک مسئله دیگری است، اینکه ادله حجیت خبر واحد کدام خبر را برای ما معتبر می‌کند؟ این یک اشکال دیگر است که ما قبلاً یک اشاره‌ای داشتیم.

«والحمد لله رب العالمین»